

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴

## بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۸۲-۱۳۷۵)

دکتر کوهسار خالدی\*، زورار پرمه\*

### چکیده

آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه اولین قدم در مسیر برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت و بررسی نتایج برنامه‌ها و سیاستهای پیشین و احیاناً تجدید نظر در آنها خواهد بود. با در نظر گرفتن این موضوع در مطالعه حاضر، وضعیت فقر مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۵ - ۸۲ بررسی شده است. بدین منظور پس از ارائه تعریفهای فقر و انواع آن (مطلق و مطلق شدید و نسبی) و مروری بر مطالعات انجام شده، به مقولات اندازه‌گیری خط فقر و محاسبه میزان فقر و نیز

---

\* به ترتیب پژوهشگر اقتصاد کشاورزی در مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی و مؤسسه مطالعات

e-mail:

و پژوهشهای بازرگانی

kohsark@yahoo.com

e-mail :permeh@yahoo.com

معرفی روشهای به کار رفته در این مطالعه پرداخته می‌شود. همچنین موضوع فقر در مناطق شهری و روستایی از دو منظر جداگانه (مطلق و نسبی) بررسی می‌گردد.

در مطالعه حاضر خط فقر مطلق غذایی خانوار بر اساس تغذیه مناسب محاسبه شده و در قالب سه روش مختلف، میزان خط فقر مطلق کل خانوار برآورد گردیده است. میزان فقر مطلق در میان خانوارها نیز با استفاده از مقادیر خط فقر مطلق کل به چهار طریق محاسبه شده است. خط فقر نسبی هم از طریق نصف میانگین هزینه های کل (خوراکی و غیر خوراکی) خانوار به دست آمده و میزان آن در سطح فرد به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که:

۱. در مناطق شهری و روستایی طی دوره مورد بررسی، متناسب با افزایش قیمتها، مقادیر خط فقر مطلق (به جز سال ۱۳۷۹ برای مناطق روستایی) و خط فقر نسبی روند صعودی داشته است.
۲. میزان خطوط فقر مطلق و نسبی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده است.
۳. میزان فقر مطلق خانوارها در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است.
۴. میزان فقر نسبی روستایی، بر خلاف انتظار، در سالهای ۱۳۷۷-۷۹ بیش از میزان آن در مناطق شهری برآورد شده است.

#### کلید واژه‌ها:

فقر، خط فقر (مطلق و نسبی)، مناطق روستایی، مناطق شهری، نسبت سرشمار، تغذیه مناسب

#### مقدمه

موضوع فقر و اندازه‌گیری آن و نیز راههای مختلف فقرزدایی در متون اقتصاد توسعه جایگاه خاصی دارد و این جایگاه در دهه‌های اخیر اهمیت بیشتری در سیاست‌گذاریهای اقتصادی کشورهای دنیا بویژه کشورهای توسعه نیافته پیدا کرده است. در ایران نیز توجه به مسئله فقر و فقرزدایی متأثر از

### بررسی وضعیت فقر ...

یک موج جهانی بود که کشورهای توسعه نیافته را بیش از سایر کشورها تحت تاثیر قرار داد. فقر همواره به صورت یک معضل جهانی فراروی جامعه بشری بوده است. اما از اواخر دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۸۰ به دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از اقشار آسیب پذیر مورد توجه بسیار قرار گرفت. بسیاری از صاحب نظران مقوله فقر بر این عقیده بوده اند که اجرای برنامه های اقتصادی مذکور باعث افزایش فقر شده است. در واکنش به چنین وضعیتی و با هدف جلوگیری از گسترش فقر، نهادهای بین المللی و منطقه ای به اقدامات نهادین و عملی روی آورده اند. سازمان ملل متحد دهه ۱۹۹۰ را دهه ریشه کنی فقر نام نهاده است. بانک جهانی برای ایجاد دنیای عاری از فقر، جهانیان را به اقدام مؤثر جهت حذف گرسنگی و توسعه مسکن و برخورداری عمومی از بهداشت و آموزش دعوت کرده است. در این باره در سال ۱۹۹۶ سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) هدفگذاری کرد که از طریق مشارکت جهانی، نیمی از افراد فقیر بتوانند تا سال ۲۰۱۵ از شرایط فقر شدید خارج شوند. اعضای اسکاپ<sup>۱</sup> نیز در سال ۱۹۹۷ متعهد شدند که اقدامات لازم برای ریشه کن کردن فقر را تا سال ۲۰۱۰ انجام دهند (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱).

در ایران نیز برای مبارزه با فقر در قالب برنامه های توسعه طرح ساماندهی اقتصادی، پیش بینی هایی صورت گرفته و چندین بار لایحه فقرزدایی تهیه و تنظیم شده که این تلاشها در نهایت به اقدامی موفق منجر نشده است. از سویی، نتایج مطالعات انجام گرفته در سالهای اخیر به حوزه های تصمیم گیری راه یافته ولی سیاستهای اتخاذ شده نمودی عینی در سطح ملی، همانند آنچه در کشورهای چین، کره جنوبی و مالزی صورت گرفته است، پیدا نکرده است. شاید ثمره تمامی تلاشهای گذشته در شرایط کنونی، ظهور و تأسیس وزارتخانه ای جدید با نام “وزارت رفاه و تأمین اجتماعی” باشد. اینکه این وزارتخانه برای مبارزه با فقر و نابرابری و افزایش رفاه جوامع شهری و روستایی کشور در سطحی مقبول چه اقدامات و برنامه هایی در دست خواهد داشت، نیازمند گذشت

۱. کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه

زمان است. با این وصف، انتظار بر این است که با آغاز کار این وزارتخانه تحولی اساسی در وضعیت رفاهی جامعه روی دهد.

با توجه به ضرورت و اهمیت مقابله با بحران فقر از یک سو و از سوی دیگر اهمیت آن در تعیین افراد واجد شرایط استفاده از برنامه‌های تأمین اجتماعی، لازم است از دو جنبه نظری و عملی موضوع فقر بررسی و ارزیابی شود. از جنبه نظری باید فقر و مؤلفه‌های آن به دقت تعریف و شناسایی گردد و از جنبه عملی نیز باید بتوان فقر را در جامعه (به تفکیک شهری و روستایی) اندازه‌گیری کرد. تصمیم‌گیری درباره مبارزه با فقر و تخصیص اعتبارات لازم برای کاهش آن، ارتباط فراوانی با شاخص منتخب برای اندازه‌گیری خط فقر و نحوه محاسبه میزان فقر دارد. بر این اساس، شناخت انواع خط فقر و ویژگیهای هر یک از آنها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار تأثیرگذار خواهد بود. پس از حصول توافق درباره مفهوم فقر و شاخص فقر باید با استفاده از داده‌های مربوط، میزان فقر اندازه‌گیری شود. این کار مستلزم دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق و قابل اعتماد است تا بتوان تصویری درست از فقر ارائه داد و نظارت دائمی بر اندازه فقر داشت و به تحلیل فقر پرداخت.

### اهداف و فرضیه‌های تحقیق

هدف از این تحقیق، بررسی وضعیت فقر مطلق و نسبی (سطح خط فقر و میزان فقر) در کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی، صرفاً به منظور آگاهی از کارکرد سیاستهای گذشته در زمینه فقر است. مهمترین فرضیه‌های تحقیق حاضر نیز عبارت است از:

۱. سطح خط فقر نسبی و مطلق در مناطق شهری و روستایی افزایش یافته است.
۲. میزان خطوط فقر مطلق و نسبی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده است.
۳. میزان فقر مطلق و نسبی خانوارها در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است.

### مروری بر مطالعات انجام شده

شاید اولین مطالعه انجام شده در زمینه محاسبه خط فقر در ایران را عظیمی انجام داده باشد. او بر اساس آمارهای مصرف خانوارهای شهری و روستایی و با توجه به محتوای تغذیه‌ای هزینه‌های

بررسی وضعیت فقر ...

این خانوارها، خط فقر حداقل و حداکثر را برای سال ۱۳۵۱ طبق جدول ۱ محاسبه کرد (عظیمی، ۱۳۷۱).

### جدول ۱. میزان خط فقر سالانه خانوار روستایی و شهری در سال ۱۳۵۱

(واحد: ریال)

شرح	حداقل	حداکثر
جامعه شهری	۱۲۴۰۰	۳۰۸۷۰
جامعه روستایی	۹۶۳۰	۲۱۹۱۰

مأخذ: عظیمی، ۱۳۷۱

خداداد کاشی و حیدری پس از بررسی عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی، با استفاده از برنامه‌ریزی خطی، حداقل مخارج لازم [خط فقر مطلق غذایی] برای تأمین نیازهای غذایی را متناسب با الگوی پیشنهادی متخصصان علم تغذیه برای سال ۱۳۷۸ محاسبه کردند و پس از مقایسه آن با مخارج واقعی گروههای مختلف درآمدی شهری و روستایی، به بررسی کارایی مخارج واقعی آنها پرداختند (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۱) (جدول ۲).

### جدول ۲. هزینه اقلام اساسی خوراکی (حداقل هزینه بهینه) در سال ۱۳۷۸

(واحد: ریال)

شرح	حداقل هزینه بهینه [خط فقر غذایی روزانه سرانه]	حداقل هزینه بهینه سالانه خانوار [خط فقر غذایی]*
شهری	۲۰۳۹	۳۵۴۲۵۵۸
روستایی	۱۸۸۴	۳۶۹۲۷۳۴
کشور	۱۹۶۱	۳۶۲۱۷۷۱

مأخذ: خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۱ \* محاسبات تحقیق با توجه به بعد خانوار

خالدی با استفاده از روش الگوی تغذیه مناسب، میزان خط فقر مطلق (غذایی و کل) را در سطح فرد و خانوار روستایی و نیز میزان فقر مطلق را برای سالهای ۱۳۵۰-۷۵ محاسبه کرد. طبق این محاسبه، متوسط خط فقر کل سالانه برای یک خانوار روستایی در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۸۸۹۲۴۰ ریال و میزان فقر مطلق در همین سال حدود ۶۵ درصد برآورد گردید (خالدی، ۱۳۷۹).

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

خداداد کاشی و همکاران خط فقر (مطلق و نسبی) شهری و روستایی و میزان فقر را بر اساس روشهای مختلف برای سالهای ۱۳۶۳-۷۹ برآورد کردند که نتایج مربوط به سالهای ۱۳۷۵-۷۹ (که با دوره زمانی مطالعه حاضر نیز همزمان است) در جدولهای ۳ و ۴ و ۵ ملاحظه می شود.

جدول ۳. خط فقر [مطلق غذایی] شهری و روستایی براساس روش پژویان\*

(واحد: ریال)

در دوره ۱۳۷۵-۷۹

شرح	شهری				روستایی			
	۲۳۰۰ کیلوکالری		۲۱۷۹ کیلوکالری		۲۳۰۰ کیلوکالری		۲۱۷۹ کیلوکالری	
	سرانه	سرانه خانوار**	سرانه	سرانه خانوار**	سرانه	سرانه خانوار**	سرانه	سرانه خانوار**
۱۳۷۵	۷۷۲۳۴	۴۴۴۸۶۷۸	۸۱۵۳۲	۴۶۹۶۲۴۳	۴۵۸۵۲	۳۰۵۹۲۴۵	۴۸۳۹۸	۳۲۲۹۱۱۴
۱۳۷۶	۴۰۲۶۴	۲۲۹۵۰۴۸	۸۵۶۰۴	۴۸۷۹۴۲۸	۵۰۱۷۷	۳۲۶۹۵۳۳	۵۸۵۳۸	۳۸۱۴۳۳۶
۱۳۷۷	۱۱۰۷۵۲	۶۲۷۲۹۹۳	۱۱۶۹۰۲	۶۶۲۱۳۲۹	۶۱۳۱۶	۳۹۹۵۳۵۰	۶۴۷۲۱	۴۲۱۷۲۲۰
۱۳۷۸	۱۱۳۲۸۰	۶۴۷۰۵۵۳	۱۳۸۰۰۸	۷۸۱۶۷۷۳	۶۴۴۷۱	۴۱۵۴۵۱۱	۶۸۰۵۲	۴۳۸۵۲۷۱
۱۳۷۹	۱۵۳۴۰۸	۸۳۲۰۸۵۰	۱۶۱۶۲۸	۸۷۶۶۷۰۳	۸۴۶۸۴	۵۳۵۵۴۱۶	۸۹۳۸۳	۵۶۵۲۵۸۱

مأخذ: خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱

\* برای کسب اطلاعات لازم در زمینه این روش به مأخذ خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱، صفحه ۶۷ مراجعه شود.

\*\* محاسبات تحقیق با توجه به بعد خانوار

جدول ۴. خط فقر [نسبی] شهری و روستایی بر اساس روش میانگین در دوره ۱۳۷۵-۷۹

(واحد: ریال)

شرح	شهری				روستایی			
	۵۰ درصد میانگین مخارج		۶۶ درصد میانگین مخارج		۵۰ درصد میانگین مخارج		۶۶ درصد میانگین مخارج	
	سرانه	سرانه خانوار*	سرانه	سرانه خانوار*	سرانه	سرانه خانوار*	سرانه	سرانه خانوار*
۱۳۷۵	۱۱۶۹۹۱	۶۷۳۸۶۸۱	۱۵۴۴۲۸	۸۸۹۵۰۵۳	۵۶۱۶۰	۳۷۴۶۹۹۵	۷۴۱۳۱	۴۹۴۶۰۲۰
۱۳۷۶	۱۳۶۲۷۲	۷۷۶۷۵۰۴	۱۷۹۸۷۹	۱۰۲۵۳۱۰۳	۶۹۶۹۶	۴۵۴۱۳۹۱	۹۱۹۹۹	۵۹۹۴۶۵۵

بررسی وضعیت فقر ...

۷۵۸۸۰۷۷	۱۱۶۴۵۳	۵۷۴۸۵۴۶	۸۱۲۲۲	۱۲۶۱۹۶۷۵	۲۲۲۸۰۵	۹۵۶۰۳۷۹	۱۶۸۷۹۲	۱۳۷۷
۹۶۴۲۹۳۰	۱۴۹۶۴۲	۷۳۰۵۲۴۱	۱۱۳۳۶۵	۱۵۰۶۱۵۷۳	۲۶۳۶۸۳	۱۱۴۱۰۲۳۴	۱۹۹۷۵۹	۱۳۷۸
۱۰۸۸۹۲۹۶	۱۷۲۱۹۰	۸۲۴۹۴۶۸	۱۳۰۴۴۷	۱۶۷۶۷۹۱۶	۳۰۹۱۴۳	۱۲۷۰۲۹۵۴	۲۳۴۱۹۹	۱۳۷۹

مأخذ: خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱ \* محاسبات تحقیق با توجه به بعد خانوار

جدول ۵. درصد خانوارهای فقیر شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۵-۷۹

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
شهری	۱۶/۵	۱۷	۱۴	۹/۷	۱۲
	۸۷	۸۵	۷۹	۷۹	۷۸
روستایی	۱۹	۱۴/۵	۱۶	۹/۶	۱۲
	۷۸	۷۶	۷۰/۵	۷۵	۷۳

مأخذ: خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱

معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در تحقیقی پس از بررسی مبانی اعتقادی و قانونی فقر و تعریفها و شاخصهای فقر در ایران و ویژگیهای خانوارهای فقیر و ... به ارائه راهبردها و راهکارهای مبارزه با فقر پرداخت. در این تحقیق خط فقر [غذایی مطلق] بر اساس روش حداقل نیازهای اساسی ( ۲۲۰۰ کیلوکالری سرانه روزانه ) برای خانوارهای شهری و روستایی در سالهای ۱۳۷۴-۷۹ محاسبه شد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹) (جدول ۶).

جدول ۶. خط فقر خانوارهای شهری و روستایی براساس نیازهای غذایی (۲۲۰۰ کیلوکالری روزانه)

شرح	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
خط فقر شهری	۲۴۶۱۱۰	۳۳۴۳۵۰	۳۱۴۲۰۰	۵۲۰۶۵۰	۶۲۴۲۶۰	۷۰۸۵۳۰
	۲۹۵۳۳۲۰*	۴۰۱۲۲۰۰	۳۷۷۰۴۰۰	۶۲۴۷۸۰۰	۷۴۹۱۱۲۰	۸۵۰۲۳۶۰
خط فقر روستایی	۱۷۵۸۰۰	۲۲۳۹۵۰	۲۵۰۸۰۰	۳۵۱۷۹۰	۴۲۱۸۰۰	۴۷۸۱۷۴۰
	۲۱۰۹۶۰۰*	۲۶۸۷۴۰۰	۳۰۰۹۶۰۰	۴۲۲۱۴۸۰	۵۰۶۱۶۰۰	۵۷۴۴۸۸۰

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹ \* محاسبات تحقیق

در ادامه این تحقیق، نسبت افراد و خانوارهای زیر خط فقر شهری، روستایی و کل کشور بر اساس دو رویکرد نیازهای اساسی [میزان فقر مطلق] و نصف میانه هزینه خانوار [میزان فقر نسبی] برای سال ۱۳۷۷ برآورد شد (همان منبع) (جدول ۷).

### جدول ۷. نسبت جمعیت زیر خط فقر در سال بر حسب فرد و خانوار در سال ۱۳۷۷

(واحد: درصد)

شرح	رویکرد نیازهای غذایی [میزان فقر مطلق]	
	خانوار	فرد
شهری	۱۱/۵	۱۴/۶۳
روستایی	۱۵/۲	۱۶/۷۸
کل کشور	۱۳/۰۶	۱۵/۴۸

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹

دینی ترکمانی خط فقر غذایی و میزان فقر را در جامعه بر مبنای شاخص تغذیه نرمال برای سال ۱۳۷۳ بررسی و محاسبه کرد. وی میزان خطوط فقر شهری و روستایی را برای سال ۱۳۷۳ به ترتیب ۳۶۰ و ۳۲۰ هزار ریال محاسبه نمود. بر این اساس، میزان فقر شهری (۵۵ درصد) و روستایی (۶۵ درصد) را نیز به دست آورد (دینی ترکمانی، ۱۳۷۵).

به هر روی مجموعه مطالعات گوناگونی در زمینه خط فقر در کشورمان (بویژه مناطق شهری) توسط محققان مختلف در سالهای پس از انقلاب انجام شده است که برای جلوگیری از اطاله کلام به طور خلاصه گوشه‌ای از نتایج آنها در جدول ۸ ارائه شده است.

### جدول ۸. پاره ای از خطوط فقر برآوردی برای مناطق شهری

(واحد: ریال)

محقق	نوع خط فقر	روش تخمین	دوره مطالعه	میزان خط فقر شهری	شرح
هاشمی-خسروی	ذهنی	ISUR	۷۷-۱۳۴۴	۱۱۵۸۳۴۴	خانوار/سالانه/۱۳۷۰
ابریشمی-مهرآرا	ذهنی	ISUR	۷۲-۱۳۴۴	۲۷۰۰۵۲۵	خانوار/سالانه/۱۳۷۰
صمیمی فر	ذهنی	تکراری استون	۷۲-۱۳۴۴	۴۰۴۲۰۱	خانوار/سالانه/۱۳۶۹
متوسلی-صمدی	ذهنی	ISUR	۷۶-۱۳۶۱	۸۵۶۳۳۰۵	خانوار/سالانه/۱۳۷۶
غلامی	ذهنی	تکراری استون	۷۵-۱۳۶۹	۱۰۲۸۶۷۸۸	خانوار/سالانه/۱۳۷۵
حکمتی	ذهنی	ISUR	۷۸-۱۳۶۹	۱۶۹۹۷۹۳۲	خانوار/سالانه/۱۳۷۹
پژویان	مطلق	ارشانسکی	۷۳-۱۳۶۲	۴۸۱۹۹۵	خانوار/سالانه/۱۳۷۳

### بررسی وضعیت فقر ...

اصغرزاده	مطلق	ارشانسکی	۱۳۷۵	۶۹۰۰۰۰	خانوار/سالانه/۱۳۷۵
رحیمی	مطلق	تغذیه نرمال	۱۳۷۵	۱۵۹۸۰۴۴	خانوار/سالانه/۱۳۷۳
اخوی	مطلق	تغذیه نرمال	۱۳۷۳	۲۸۶۸۴۴	خانوار/سالانه/۱۳۷۳
اخوی	نسبی غذایی	میانگین جامعه	۱۳۷۳	۴۱۱۱۰۸	خانوار/سالانه/۱۳۷۳
اخوی	نسبی	نصف میانه	۱۳۷۳	۵۱۲۲۰۰	خانوار/سالانه/۱۳۷۳

مأخذ: عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳

همان گونه که در جدولهای پیشین مشاهده شد، استفاده از روشهای مختلف تعیین خط فقر مقادیر متفاوتی برای این پارامتر به دست می‌دهد. به عنوان مثال، میزان خط فقر غذایی سالانه خانوار شهری برای سال ۱۳۷۸ بر اساس روش برنامه‌ریزی خطی برابر ۳۵۴۲۵۵۸ ریال و بر اساس روش پژوهش معادل ۷۸۱۶۷۷۳ ریال (برای ۲۳۰۰ کیلوکالری) و ۶۴۷۰۵۵۳ ریال (برای ۲۱۷۹ کیلوکالری) بوده است (حدود ۲ برابر). این موضوع کمتر برای مناطق روستایی صادق بوده است. تفاوت مقادیر به دست آمده در میزان فقر بر مبنای نیازهای اساسی (۲۱۷۹ کیلوکالری) و معکوس ضریب انگل بسیار چشمگیر بوده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که متناسب با شاخص تعریف شده برای خط فقر، در عمل و به هنگام محاسبه، با مقادیر مختلف خط فقر و میزان فقر مواجه خواهیم بود. به همین دلیل در این مطالعه نیز با توجه به روشهای مورد استفاده در محاسبه خطوط فقر مطلق و نسبی، انتظار کسب نتایجی متفاوت با نتایج مذکور طبیعی خواهد بود.

### تعریف فقر و انواع آن

فقر به صورتهای مختلف تعریف شده است و اگر پارامترهای زمان و مکان را در نظر بگیریم، این تعریفها تفاوتهای بیشتری نیز پیدا می‌کند. به عنوان مثال بوت<sup>۱</sup> و راونتري<sup>۲</sup>، به عنوان دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در اواخر قرن نوزدهم، تلاش فراوانی جهت ارائه تعریف مناسبی از فقر کردند. آنها فقر مطلق و نسبی را متفاوت با همدیگر می‌دانستند. از نظر آنها فقر مطلق موضوعی عینی

1. Booth  
2. B.S., Rountree

و متضمن تعریفی علمی بر پایه معاش<sup>۱</sup> است و منظور از آن، حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. براساس این دیدگاه، فقر مطلق ناتوانی در کسب حداقل استانداردهای زندگی است. در مقابل، فقر نسبی ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای مطلوب زندگی است. در تعریف فقر نسبی به نابربری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. به عبارتی، منشأ اولیه فقر نسبی در جامعه، توزیع نابرابر درآمدهای آن جامعه بین افراد مختلف است. راونتری به فقر نگاه دیگری دارد و آن را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم می‌کند: فقر اولیه فقری است که در آن افراد برای تأمین نیازهای اولیه و اساسی، به منابع لازم دسترسی ندارند و در مقابل، فقر ثانویه زمانی بروز می‌کند که در آن افراد به منابع اولیه دسترسی دارند اما به دلایل مختلف توانایی استفاده از آنها را جهت افزایش و بهبود سطح زندگی خود ندارند (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱، ۱۱). تعریف تاون سند<sup>۲</sup> از فقر قرابت فراوانی با تعریفهای دیگر دارد. از نظر او افراد و خانوارها و گروههای جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر محسوب کرد که با کمبود یا نبود منابع لازم برای کسب انواع رژیمهای غذایی، مشارکت در فعالیتهای، شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند (همان منبع، ۱۰).

آمارتیا سن<sup>۳</sup>، به عنوان یکی از کارشناسان مسائل فقر در سطح جهانی، نگاه عمیقی به مقوله فقر دارد. او معتقد است که فقر را باید همانند گرما حس کرد. به عبارتی برای اینکه بدانیم فقر چیست و چه دردی به همراه دارد؟ باید به شیوه ای در درون کوره داغ آن قرار بگیریم؛ همان گونه که تا در معرض آتش قرار نگیریم به طور کامل گرما و آثار آن را نمی‌توانیم درک کنیم. بر این اساس، سن اعتقاد دارد که تمامی تعریفهای فقر وجه مشترکی دارد و آن هم اشاره به نوعی محرومیت است. محرومیت نیز مفهومی نسبی است که امکان دارد در مکانها و زمانهای مختلف کاملاً متفاوت باشد؛ یعنی اینکه ممکن است در یک کشور در حال توسعه، فقر به معنی محرومیت از امکاناتی (نظیر

---

1. subsistence  
2. Peter Townsend  
3. Amartya Sen

### بررسی وضعیت فقر ...

غذا و مسکن و دارو) تلقی شود که جهت تداوم حیات لازمند، در حالی که در یک کشور توسعه یافته به معنی محرومیت از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط تلقی شود. با توجه به دیدگاههای مختلفی که نسبت به فقر وجود دارد آشکار است ارائه تمامی تعریفهای آن در اینجا میسر نیست. به طور کلی فقر در جوامع انسانی مترادف با ناتوانی در برآورده کردن نیازهای اساسی زندگی است و مصداق آن وضعیت افراد و خانواده‌هایی است که دارای توان و امکان کافی برای تأمین حداقل نیازهای زندگی شامل غذا، پوشاک، بهداشت، مسکن نیستند. محرومیت از دیگر ضروریات اولیه و متعارف زندگی نظیر آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و غیره نیز از مواردی است که نبودشان در ایجاد فقر اهمیت می‌یابد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹، ۲۲).

فقر براساس دیدگاههای مختلفی تقسیمبندی می‌شود، اما نظر به اینکه در اینجا هدف، تعیین خانوارهای نیازمند از خانوارهای بی‌نیاز است، بنابراین بیشتر بر فقر از جنبه‌های مادی تمرکز خواهد شد و از بررسی و مطالعه انواع دیگر فقر نظیر فقر ذهنی و معنوی و ... پرهیز می‌شود.

**فقر مطلق:** وضعیتی است که در آن خانوارها از دسترسی به حداقل نیازهای اساسی مانند غذا و مسکن و لباس محرومند. این تعریف در اصل با توجه به نیازهای غذایی افراد با معیار کالری مورد نیاز بیان می‌شود. در تعریف فقر مطلق، معمولاً عدم توانایی فرد یا خانوار را در تأمین حداقل انرژی سرانه در روز (برحسب کالری) و تأمین پوشاک، سرپناه و بهداشت و درمان مورد نیاز معیار می‌دانند. **فقر مطلق شدید:** در صورتی که در یک جامعه افراد و خانوارها قادر به تأمین بیش از ۸۰ درصد از کالری مورد نیاز خود نباشند، می‌گوییم در آن جامعه فقر مطلق شدید وجود دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹، ۲۳).

**فقر نسبی (کم‌درآمدی):** این نوع فقر در مواردی مصداق دارد که سطح زندگی فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه، وضعیت مناسبی نداشته باشد. فقر نسبی مفهومی قراردادی است و در جوامع مختلف تعریفهای متفاوتی دارد (همان منبع، ۲۳).

### روش تحقیق

## اندازه‌گیری خط فقر

شاید یکی از پر مناقشه‌ترین موضوعات در اقتصاد رفاه، موضوع سنجش و اندازه‌گیری فقر باشد. گستردگی مفهوم فقر و برداشتهای مختلف از آن در تشتت شاخصهای سنجش فقر بی‌تأثیر نیست. به هنگام بررسی موضوع فقر و سنجش میزان آن، تعیین شاخصی که با استفاده از آن بتوان مرز موجود بین فقر و غنا و یا فقرا و غیرفقرا را تشخیص داد، ضروری است. در متون مرتبط با موضوع فقر چنین شاخصی را خط فقر<sup>۱</sup> می‌گویند. در واقع خط فقر را می‌توان حد فاصل گروههای جامعه از نظر برخورداری یا عدم برخورداری از حداقل نیازهای اساسی و یا مقدار مشخصی از درآمد در واحدی از زمان دانست. بدین ترتیب افرادی که درآمدی بالاتر از خط فقر دارند، غیر فقیر و افرادی که دارای درآمدی پایینتر از خط فقر باشند، فقیر محسوب می‌شوند. با این توضیح می‌توان گفت خط فقر آستانه تمیز فقیران و غیر فقیران خواهد بود. تعریفهای مختلف فقر و خط فقر، تفاوت‌های چشمگیری در میزان سنجش فقر در جامعه به دنبال دارد. برخی از پژوهشگران حداقل معاش را برای تداوم حیات بر حسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند (خط فقر غذایی). به عنوان مثال در کشور چین بر اساس نیاز بدن به ۲۱۵۰ کیلوکالری در روز (۹۰ درصد آن از غلات و تنها ۱۰ درصد دیگر از سایر خوراکیها) حداقل معاش تعریف شده است. خط فقر در کشورهای اندونزی و تایلند و فیلیپین بر اساس دسترسی به ۲۰۰۰ کیلوکالری در روز مشخص شده است. (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱).

در حال حاضر شاخص بین‌المللی خط فقر سرانه یک دلار در روز تعیین شده است، اما با توجه به وضعیت خاص هر کشور، این شاخص می‌تواند کمتر یا بیشتر از این رقم باشد. برای مثال در کشور چین به جای یک دلار، ۰/۶۶ دلار و در مالزی نیز اندکی کمتر از یک دلار در روز تعیین شده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۹).

با توجه به این توضیحات، عمومی‌ترین شاخص در این زمینه، تعیین نیازهای غذایی بر حسب کالری مورد نیاز برای فرد در روز (حدود ۲۳۰۰ کیلوکالری) است. البته انرژی مورد نیاز بر حسب جنس و سن نیز متفاوت خواهد بود. در برخی کشورها با در نظر گرفتن تفاوت موجود در فرهنگ

---

1. poverty line

### بررسی وضعیت فقر ...

غذایی و قیمت مواد خوراکی لازم برای تأمین انرژی در مناطق مختلف، برای هر منطقه سبد غذایی جداگانه‌ای تعریف و بر این اساس، خط فقرهای گوناگونی نیز محاسبه می‌شود.

فقر بسته به اینکه به مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، حساسیتهای متفاوتی به تغییرات اقتصادی و اجتماعی کوتاهمدت و درازمدت و یا نابرابری درآمد از خود نشان می‌دهد.

با در نظر گرفتن توضیحات مذکور، خط فقر مطلق<sup>۱</sup> را میزان درآمدی باید دانست که با در نظر گرفتن زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جهت تأمین حداقل نیازهای افراد (غذا، پوشاک، مسکن و...) لازم است. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی نیز می‌گویند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱). سنجش خط فقر مطلق در این مطالعه نیز بر مبنای روش نیازهای اساسی انجام شده است. اما برای محاسبه خط فقر مطلق کل با استفاده از خط فقر مطلق غذایی به طور خلاصه سه روش زیر پیشنهاد شده است (خالدی، ۱۳۷۹):

**الف) روش اول:** (خط فقر مطلق غذایی)  $\frac{1}{2}$  + خط فقر مطلق غذایی = خط فقر مطلق کل

**ب) روش دوم:** (خط فقر مطلق غذایی)  $\frac{1}{3}$  + خط فقر مطلق غذایی = خط فقر مطلق کل

با توجه به سهم بالای هزینه‌های خوراکی در سبد هزینه خانوار کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، افزودن نصف خط فقر غذایی به هزینه کالاهای اساسی (خط فقر غذایی) برای محاسبه خط فقر کل تا حدودی رقم بالایی خواهد بود و می‌تواند باعث سنجش بالای خط فقر کل و در نتیجه میزان فقر در جامعه شود. بیش‌شماری افراد فقیر نیز ممکن است به انحراف هدف سیاستهای فقرزدایی بینجامد. به همین دلیل استفاده از روش دوم با واقعیات جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه سازگاری بیشتری خواهد داشت.

**ج) روش سوم یا روش ارشانسکی<sup>۱</sup>:**

$$\text{هزینه کل (خوراکی و غیر خوراکی)} \times \frac{\text{خط فقر مطلق غذایی}}{\text{متوسط هزینه های خوراکی}} = \text{خط فقر مطلق کل}$$

1 . absolute poverty line

1 . Orshansky

یادآوری می شود که میزان خط فقر محاسبه شده در روش ارشانشکی بیشتر از دو روش دیگر است.

بدیهی است برای محاسبه خط فقر براساس خانوار باید مقادیر محاسباتی را بر اساس سرانه در بعد خانوار ضرب کرد. در اینجا نیز چون درصدد بررسی میزان فقر در سطوح خانواریم و از سویی آمارگیری های مرکز آمار به صورت نمونه گیری در سطح خانوار است، با طی فرایند محاسباتی پیشگفته، به نتایج لازم در سطح خانوار دست خواهیم یافت. روشهای محاسبه خطوط فقر مطلق و نسبی در ادامه آمده است.

برای تعیین خط فقر مطلق غذایی در اینجا از روش الگوی پیشنهادی انستیتو تغذیه ایران (تغذیه مناسب)، که از روشهای موسوم به روش نیازهای اساسی است، استفاده می شود. تغذیه مناسب، که به الگوی پیشنهادی انستیتو تغذیه معروف است، باید تأمین کننده ۲۲۹۴ کیلوکالری انرژی در روز باشد. قطعاً این مقدار کالری باید از ترکیب مواد غذایی متفاوتی نظیر غلات، حبوبات، گوشت، قند و شکر، روغن نباتی، لبنیات، سبزی و میوه تأمین شود که سهم هر کدام را کارشناسان تغذیه معین کرده اند (جدول ۹). برای تعیین خط فقر مطلق بر اساس تغذیه مناسب، پس از به دست آوردن قیمت هر کدام از مواد غذایی موجود در فهرست تغذیه مناسب و ضرب آن در مقدار مورد نیاز، ارزش (هزینه) ریالی هر کدام از مواد غذایی محاسبه می گردد و آنگاه با جمع کردن این مقادیر، خط فقر غذایی سرانه به دست می آید.

اشاره شد که خط فقر نسبی<sup>۱</sup> بر درصد معینی از درآمد یا میانگین درآمد جامعه دلالت دارد. بر این اساس، همواره بخشی از جامعه فقیر خواهد بود. روش به کار گرفته شده در این مقاله برای محاسبه خط فقر نسبی به این صورت است که ابتدا کل هزینه خانوارهای نمونه در شهر یا روستا به دست می آید، آنگاه مقدار به دست آمده بر ۲ تقسیم می شود تا خط فقر نسبی مبتنی بر میانگین حاصل شود.

---

1. relative poverty line

### بررسی وضعیت فقر ...

در این مطالعه هم از خط فقر مطلق و میزان فقر مطلق و هم از خط فقر نسبی و میزان فقر نسبی برای تبیین وضعیت فقر در میان مناطق شهری و روستایی کشور استفاده شده است. ذکر این نکته ضروری است که در تعیین روش سنجش خط فقر در یک مطالعه عوامل مختلفی نظیر دسترسی به آمار و اطلاعات مورد نیاز، تطابق نتایج با واقعیات حاکم بر جامعه، پذیرش نظری و ... دخیل است. هر کدام از روشهای سنجش خط فقر و میزان فقر نقاط ضعف و قوت خاصی دارد که در اینجا به دلیل مرتبط نبودن با موضوعیت بحث از پرداختن بدان پرهیز شده است. مهمترین روشهای تعیین خط فقر مطلق به ترتیب عبارت است از: روش استون - گری، روش نیازهای اساسی و برنامه ریزی خطی. روش استون - گری مبتنی بر تابع مطلوبیت است و پس از تعیین تابع تقاضای مصرف کننده برای کالاهای مختلف، با توجه به قیمت و ضریب اهمیت آن کالاها در سبد کالاهای مصرفی خانوار، حداقل هزینه زندگی خانوار (خط فقر) برآورد می شود<sup>۱</sup>. در روش محاسبه خط فقر با استفاده از برنامه ریزی خطی، همانند سایر مدل‌های برنامه ریزی خطی، تابع هدف (هزینه های خانوار) با توجه به محدودیتهای موجود (حداقل نیازهای کالری و پروتئین و ریزمغذی ها) حداقل می شود. میزان تابع هدف همان خط فقر خواهد بود. چون روش نیازهای اساسی، روشی مبتنی بر تعریف خط فقر و محاسبه آن دارای مبانی نظری قابل قبول است، در این مطالعه برای انجام محاسبات خطوط فقر مطلق غذایی و کل انتخاب شده است.

جدول ۹. الگوی پیشنهادی تغذیه مناسب در ایران

مواد غذایی	مقدار گرم در روز	مقدار کیلوکالری در روز	مقدار کیلوگرم در سال
غلات:	۳۵۰		
۱. نان	۲۵۰	۶۸۹	۹۱/۲۵
۲. برنج	۱۰۰	۳۶۰	۳۶/۵
حبوبات	۳۰	۱۰۶	۱۰/۸
قند و شکر	۴۵	۱۸۰	۱۶/۴
روغن	۲۵	۲۲۵	۹
گوشت:	۱۰۰	-	-

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به منبع صمدی، ۱۳۷۸ مراجعه شود.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

۱۰/۹	۸۷/۶	۳۰	۱. گوشت قرمز
۹/۱	۷۳/۲	۲۵	۲. گوشت سفید
۷/۳	۲۵/۷	۲۰	۳. گوشت ماهی
۹/۱	۴۰	۲۵	تخم مرغ
-	-	۲۲۰	لبنیات:
۳۶/۵	۶۴	۱۰۰	۱. شیر
۳۶/۵	۸۳/۷	۱۰۰	۲. ماست
۷/۳	۴۹	۲۰	۳. پنیر
۱۱۶/۸	۱۱۶/۲	۳۲۰	سبزی
۱۲۷/۷	۱۹۵	۳۵۰	میوه
-	۲۹۹۴	-	کل

مآخذ: ۱. معنوی، ۱۳۷۵، ۸۱ و ۲. ترسرسیسیان و همکاران، ۱۳۵۸.

نظر به اینکه هر کدام از روشهای محاسبه خط فقر نقاط قوت و ضعف خاصی دارد، رتبه‌بندی آنها از منظرهای کاربردی و نظری نه هدف این مطالعه است و نه به سهولت امکانپذیر، چراکه باید در این مقایسه‌ها به فاکتورهای مختلف و متنوعی همزمان توجه کرد.

### محاسبه میزان فقر مطلق

برای محاسبه میزان فقر، شاخصهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفسیر این شاخصها نیز متفاوت خواهد بود. شاخص نسبت سرشمار<sup>۱</sup> از جمله معروفترین این شاخصهاست که با ارائه رقم مربوط به درصد فقیران جامعه به شیوه‌ای روشن، میزان گستردگی فقر را در جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد. با در اختیار داشتن خط فقر و آمار هزینه خانوار در مناطق شهری و روستایی به تفکیک دهکهای هزینه‌ای و براساس این فرمول ( $H = \frac{M}{N} \times 100$ )، شاخص نسبت سرشمار محاسبه می‌شود. در این فرمول H شاخص نسبت سرشمار، M تعداد خانوارهای فقیر و N تعداد کل خانوارهاست.

1. head count ratio

بررسی وضعیت فقر ...

اگر خانوارهای واقع در دهکهای مشخصی، مثلاً دهکهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و تعدادی از خانوارهای دهک ۶ زیر خط فقر قرار گیرند، برای تعیین درصد خانوارهای زیر خط فقر لازم است ابتدا درصد و سپس تعداد خانوارهای زیر خط فقر بین دو دهک ۵ و ۶ محاسبه شود:

- نسبت خانوارهای زیر خط فقر بین دو دهک ۵ و ۶ =  $\frac{\text{هزینه کل دهک پایین (۵) - خط فقر}}{\text{هزینه کل دهک بالا (۶)}}$
- تعداد خانوارهای زیر خط فقر بین دو دهک ۵ و ۶ = (مقدار رابطه ۱)  $\times$  (تعداد کل خانوار دهک بالا)
- کل خانوارهای فقیر (M) = (تعداد خانوارهای فقیر دهکهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴) + (مقدار رابطه ۲)

### محاسبه میزان فقر نسبی

پس از محاسبه خط فقر نسبی و مقایسه آن با هزینه خانوار دهکهای مختلف، تعداد دهکهای زیر خط فقر نسبی مشخص می‌شود. به این ترتیب دهکهایی انتخاب می‌گردد که هزینه کل آنها از خط فقر نسبی به دست آمده کمتر باشد. با در نظر گرفتن بعد خانوار، ابتدا تعداد افراد کل نمونه و دهکها به دست می‌آید، آنگاه با تقسیم مجموع افراد زیر خط فقر نسبی بر کل افراد نمونه، میزان فقر نسبی در سطح فرد حاصل می‌شود. به عنوان مثال، با استفاده از این روش، خط فقر نسبی و درصد فقرای شهری برای سال ۱۳۸۰ محاسبه شده است:

ریال ۷۱۶۶۰۰۰ = هزینه های خوراکی برای خانوار شهری نمونه

ریال ۲۰۸۵۴۰۰۰ = هزینه غیر خوراکی برای خانوار شهری نمونه

ریال ۲۸۰۲۰۰۰۰ = کل هزینه ها برای خانوارهای شهری نمونه

ریال ۱۴۰۱۰۰۰۰ =  $\frac{TotalCost}{2}$  = خط فقر برای خانوار شهری در سال ۱۳۸۰

به منظور محاسبه درصد فقر در این سال برای خانوار شهری ملاحظه شد که تا دهک سوم هزینه‌های این خانوارها کمتر از مقدار پیشگفته بوده و بنابراین به تعداد افراد این دهکها زیر خط فقر قرار داشته‌است (در کل نمونه):

نفر ۹۲۶۹ = تعداد افراد دهک سوم + تعداد افراد دهک دوم + تعداد افراد دهک اول

نفر ۵۵۱۴۶ = تعداد کل نمونه

$$\text{درصد افراد زیر خط فقر نسبی} = \frac{۹۲۶۹}{۵۵۱۴۶} \times ۱۰۰ = ۱۶/۸$$

از آنجا که مقدار خط فقر نسبی، همواره در میان دامنه هزینه کل یکی از دهکها قرار می‌گیرد، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان درصد افراد فقیر دهک مذکور را تعیین کرد؟ در پاسخ باید گفت روشهای تقریبی ابداعی خاصی در این زمینه وجود دارد، ولی در اینجا از آنها استفاده نشده است. معمولاً چنین بوده است که اگر به عنوان مثال، خط فقر در میان هزینه های دهک سوم قرار گیرد، تعداد افراد فقیر تنها شامل افراد متعلق به دهکهای اول و دوم خواهد بود. بدیهی است که کنار گذاشتن افراد فقیر دهک سوم به دلیل تعیین نکردن تعداد افراد امکان دارد به بروز خطای کم‌شماری و در نتیجه برآورد پایین درصد فقرا منجر شود. در نظر گرفتن تمام افراد دهک سوم نیز در مجموع تعداد افراد زیر خط فقر (فقیر) باعث ظهور خطای بیش‌شماری در محاسبه خواهد شد. بنابراین برای کاهش بروز هر دو نوع خطای کم‌شماری و بیش‌شماری در محاسبه تعداد افراد زیر خط فقر و در نتیجه درصد فقر می‌توان به این ترتیب عمل کرد که اگر (برای مثال مذکور) میزان تفاوت دامنه بالای سطح هزینه کل دهک دوم و خط فقر محاسبه شده کمتر از نصف دامنه هزینه دهک سوم باشد، افراد دهک سوم در محاسبه تعداد افراد فقیر کنار گذاشته می‌شوند و در صورتی که این مقدار از نصف دامنه هزینه دهک سوم بیشتر باشد، تعداد افراد دهک سوم نیز به جمع تعداد افراد دهکهای اول و دوم افزوده می‌شوند تا به عنوان کل افراد فقیر مشخص شوند. پس از تقسیم کل افراد فقیر بر تعداد کل افراد نمونه و ضرب حاصل آن در عدد ۱۰۰، مقدار فقر نسبی برحسب درصد مشخص خواهد شد. بر خلاف فقر نسبی، در محاسبه فقر مطلق تعیین تعداد افراد خانوارهای زیر خط فقر با دقت بیشتری انجام می‌گیرد.

### دوره زمانی و جامعه آماری

دوره مورد مطالعه در این تحقیق ۱۳۷۵-۸۲ است. جوامع آماری نیز شامل مناطق شهری و روستایی است. آمار مربوط به قیمت مواد غذایی از اطلاعات خام مرکز آمار ایران به تفکیک شهری و روستایی و سایر آمار نیز از نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی (که به صورت سالانه توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود) جمع‌آوری شده است.

## نتایج و بحث

### ۱. فقر مطلق

نتایج محاسبه خط فقر مطلق غذایی سالانه خانوار بر اساس روش الگوی تغذیه مناسب و نیز خط فقر مطلق کل سالانه خانوار به چهار روش به تفکیک شهری و روستایی برای سالهای ۱۳۷۵-۸۲ در جدول ۱۰ آمده است. منظور از متوسط خط فقر مطلق کل سالانه در اینجا میانگین خطوط فقر حاصل از سه روش مورد نظر است.

همان گونه که این جدول نشان می دهد، بر اساس انتظاراتی که در نتیجه افزایش قیمتها وجود دارد، میزان خطوط فقر مختلف محاسبه شده در دوره بررسی روند صعودی در خورتوجهی داشته است. به عنوان مثال، خط فقر غذایی سالانه خانوار شهری در پایان دوره بررسی حدود ۲/۴ برابر میزان آن در آغاز دوره شده است.

جدول ۱۰

### بررسی وضعیت فقر ...

اصولاً این انتظار وجود دارد که با توجه به تفاوت سطح قیمتهای شهری و روستایی، میزان خط فقر مطلق غذایی در مناطق روستایی پایینتر از میزان آن در مناطق شهری باشد. مقایسه مقادیر محاسباتی خطوط مختلف فقر مربوط به مناطق روستایی با مقادیر مربوط به مناطق شهری گواهی بر صدق این مدعاست.

روند صعودی میزان خط فقر مطلق (غذایی و کل) سالانه خانوار بر اساس هر چهار روش محاسباتی با یک استثنا (سال ۱۳۷۹) برای مناطق روستایی نیز صادق است که دلیل آن احتمالاً کاهش قیمت متوسط برنج و میوه در مناطق روستایی در سال ۱۳۷۹ نسبت به سال ۱۳۷۸ است. قیمت متوسط برنج نیز در مناطق شهری در سال ۱۳۷۹ کمتر از سال قبل آن بوده، ولی به دلیل افزایش فراوان قیمت سایر اقلام مندرج در الگوی تغذیه، این کاهش پوشش داده شده است.

درصد خانوارهای فقیر شهری و روستایی در سالهای ۱۳۷۵-۸۱ تغییرات درخور توجهی داشته است. دلیل اینکه سال ۱۳۸۲ برخلاف خطوط فقر از دور محاسبات درصد فقر خانوارهای شهری خارج شده، آن است که نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۲، به عنوان مبنایی برای محاسبات، تا هنگام نوشتن این مقاله منتشر نشده است. همان گونه که در جدول ۱۱ ملاحظه می شود، درصد خانوارهای مطلقاً فقیر شهری بر اساس روش اول از ۳۳/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. این روند نزولی در روشهای دیگر نیز صادق بوده است. آنچه در اینجا بیشتر جلب توجه می کند، میزان فقر خانوارهای شهری بر اساس روش سوم (روش ارشانسکی) است. این روش از آنجا که در قیاس با روشهای دیگر مقدار خط فقر را بیشتر نشان می دهد، درصد فقر را نیز به طور چشمگیری بیشتر برآورد می کند. اعتقاد بر این است که استناد به روش دوم برای بیان وضعیت فقر در کشورهای در حال توسعه می تواند به واقعیت نزدیکتر باشد. اما به نظر می رسد برای کشوری همانند ایران با توجه به سطح هزینه های جامعه شهری، مقدار متوسط دقیقتر باشد. به عنوان مثال خط فقر کل خانوار شهری برای سال ۱۳۸۱ بر اساس روش دوم ۱۲۸۲۹۷۵۵ ریال محاسبه شده است. بی گمان خط فقر کل ماهانه خانوار با تقسیم عدد مذکور بر ۱۲ برابر ۱۰۶۹۱۴۶ ریال خواهد شد. اما به نظر می رسد که پوشش

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

هزینه‌های زندگی در کوچکترین شهرهای کشور نیز نیازمند درآمدی بسیار بالاتر از ۱۰۶ هزار تومان باشد، چراکه سایر هزینه‌ها (غیر از هزینه مواد غذایی) بسی بیشتر از هزینه مواد غذایی است. بر اساس روش متوسط، میزان خط فقر کل ماهانه شهری برای سال ۱۳۸۱ حدود ۱/۸ میلیون ریال خواهد شد. البته درآمدی در این سطح به هیچ وجه کفاف هزینه‌های شهرهای بزرگ کشور را نمی‌کند (بوژه اگر خانوار مسکن شخصی نداشته باشد)، اما در مجموع می‌تواند میانگین مناسبی برای درآمد مورد نیاز کل خانوارهای شهری باشد.

جدول ۱۱. درصد خانوارهای مطلقاً فقیر شهری و روستایی در طول سالهای ۱۳۷۵-۸۱

شرح	منطقه	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
روش اول	شهری	۳۳/۳	۲۱/۶	۲۴/۳	۲۵	۲۱	۱۹/۴	۱۴/۵
	روستایی	۵۰	۴۲/۱	۳۸/۶	۴۴	۳۸/۷	۳۷/۳	۳۴/۷
روش دوم	شهری	۲۸/۷	۱۶/۷	۱۷	۲۴/۹	۲۰/۶	۱۴	۱۴/۸
	روستایی	۴۶/۸	۳۵/۵	۳۳/۹	۴۱/۳	۳۲	۳۱/۳	۲۸/۳
روش سوم	شهری	۶۹/۲	۶۱/۹	۶۵/۸	۶۹/۱	۶۸	۶۷/۴	۵۹/۳
	روستایی	۶۳/۷	۵۹/۵	۵۴/۴	۶۱/۱	۵۴	۶۴/۳	۵۹/۴
متوسط	شهری	۴۷/۲	۴۲/۴	۳۵/۶	۳۸/۵	۳۴/۴	۳۸/۲	۳۳/۹
	روستایی	۵۵/۱	۴۷/۵	۳۸/۱	۴۹/۵	۴۱/۷	۴۶/۵	۳۷/۵

مأخذ: نتایج مطالعه

نتایج مندرج در جدول ۱۱ نشان‌دهنده این واقعیت است که بر اساس روشهای مختلف محاسباتی (به جز روش سوم به علت بالا بودن نسبت هزینه کل به هزینه خوراک) در مناطق شهری در قیاس با مناطق روستایی، کلاً درصد خانوارهای فقیر روستایی در دوره مورد بررسی بیشتر از مناطق شهری بوده است. البته باید توجه کرد که در سال پایانی مطالعه (۱۳۸۱) بر اساس روش سوم نیز میزان فقر مطلق روستایی با اختلافی اندک بیشتر از مناطق شهری بوده است. این نتایج بار دیگر این فرضیه را تأیید می‌کند که فقر مطلق در مناطق روستایی کشور، بسیار بیشتر از مناطق شهری بوده است. به عنوان مثال اگر بر اساس روش اول، در سال ۱۳۸۱ حدود ۱۴/۵ درصد خانوارهای شهری فقیر

بررسی وضعیت فقر ...

بوده‌باشند، در همین سال و براساس همین روش، حدود ۳۴/۷ درصد خانوارهای روستایی کشور زیر خط فقر مطلق قرار گرفته‌اند.

## ۲. فقر نسبی

مطالعه همزمان وضعیت فقر نسبی در مناطق شهری و روستایی در دوره مورد بررسی به تبیین جایگاه فقر در این مناطق کمک فراوانی می‌کند. افزایش سالانه خط فقر نسبی در مناطق شهری و روستایی، با توجه به وجود تورم، امری بدیهی و پذیرفتنی است، اما باید دانست میزان این افزایش در اندازه فقر نسبی بی‌تأثیر نخواهد بود. در دوره مورد مطالعه میزان نوسانهای فقر نسبی شهری از فقر نسبی روستایی کمتر بوده است. بیشترین و کمترین میزان فقر نسبی در مناطق شهری به ترتیب مربوط به سالهای ۱۳۷۶ (۲۴/۳ درصد) و ۱۳۷۹ (۱۲/۷ درصد) و در مناطق روستایی مربوط به سالهای ۱۳۷۸ (۳۵/۶ درصد) و ۱۳۸۱ (۱۴ درصد) بوده است (جدول ۱۲). با توجه به تفاوت‌های بالای درآمدی در مناطق شهری، انتظار بر این است که میزان فقر نسبی در این مناطق بیشتر از مناطق روستایی باشد، اما نتایج این موضوع را تأیید نمی‌کند، چراکه در سالهای ۱۳۷۷-۷۹ میزان فقر نسبی روستایی بالاتر از فقر نسبی شهری بوده است. تأثیرپذیری درآمدهای قشر عمده‌ای از روستاییان (اکثراً کشاورز) از ناملايمات جوی سالهای مذکور احتمالاً یکی از دلایل نتیجه فوق است. باید گفت که میزان فقر نسبی بر خلاف میزان فقر مطلق، در سطح فرد در مناطق شهری و روستایی محاسبه شده است.

## جدول ۱۲. وضعیت فقر نسبی مناطق شهری و روستایی کشور در سالهای ۱۳۷۵-۸۱

(واحد: هزار ریال-درصد)

سال	مناطق شهری		مناطق روستایی	
	خط فقر نسبی	فقر نسبی	خط فقر نسبی	فقر نسبی
۱۳۷۵	۵۵۳۰	۲۳/۵	۳۴۹۴	۱۸/۱
۱۳۷۶	۶۶۷۳	۲۴/۳	۴۲۵۳	۱۹/۴
۱۳۷۷	۸۳۳۵	۱۵/۹	۵۴۰۲	۲۰/۸
۱۳۷۸	۱۰۳۵۱	۱۶/۸	۶۸۱۹	۳۵/۶
۱۳۷۹	۱۲۰۸۷	۱۲/۷	۷۸۳۷	۱۹/۷
۱۳۸۰	۱۴۰۱۰	۱۶/۸	۸۶۱۰	۱۴/۹

بررسی وضعیت فقر ...

۱۴	۱۰۶۹۷	۲۱/۴	۱۷۴۸۵	۱۳۸۱
----	-------	------	-------	------

مأخذ: نتایج مطالعه

بنابر آنچه گفته شد، خلاصه نتایج حاصل از مطالعه وضعیت فقر مطلق و نسبی در مناطق شهری و روستایی کشور طی دوره ۱۳۷۵-۸۲ به شرح زیر است:

۱. همان گونه که انتظار می‌رود، متناسب با افزایش سطح قیمتها (تورم) در دوره مورد بررسی، مقادیر خط فقر مطلق غذایی و خط فقر مطلق کل سالانه خانوار (به استثنای سال ۱۳۷۹ برای مناطق روستایی) روند صعودی داشته است.

۲. میزان خط فقر مطلق خانوار (غذایی و کل) بر اساس روشهای مورد بررسی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی کشور بوده است.

۳. برخلاف نتیجه بند ۲، درصد خانوارهای مطلقاً فقیر روستایی بر اساس روشهای اول و دوم و روش متوسط در طول دوره، همواره بیشتر از درصد خانوارهای فقیر شهری بوده است. چنین نتیجه‌ای احتمالاً، گویای وجود فقر بالا در مناطق روستایی کشور است، زیرا با وجودی که سطح خط فقر مطلق روستایی بسیار پایینتر از سطح خط فقر مطلق شهری محاسبه شده، اما درصد فقر مطلق در میان خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری بوده است. بنابراین، فرضیه بالا بودن میزان فقر مطلق در مناطق روستایی در قیاس با مناطق شهری کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۴. مطابق انتظارات سطح خط فقر نسبی در مناطق روستایی در دوره مورد بررسی همواره پایین تر از مقدار آن در مناطق شهری بوده است.

۵. میزان خط فقر نسبی در مناطق روستایی از ۳۴۹۴ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۶۹۷ هزار ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته (۳ برابر)، در حالی که مقدار این متغیر برای مناطق شهری از ۵۵۳۰ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۱۷۴۸۵ هزار ریال در سال ۱۳۸۱ رسیده است (۳/۲ برابر).

۶. بر خلاف خط فقر نسبی، میزان فقر نسبی در مناطق شهری و روستایی کشور از روند مشخصی (صعودی یا نزولی) پیروی نکرده و دارای نوسانهای متعددی بوده است. به عبارت دیگر، اگر در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۳ درصد شهرنشینان و حدود ۱۸ درصد روستاییان دچار فقر نسبی بوده‌اند، در مقابل در سال ۱۳۷۸ این رابطه تغییر کرده، به طوری که در همین سال میزان فقر نسبی شهری حدود ۱۷ درصد و میزان فقر نسبی روستایی حدود ۳۶ درصد بوده است.

۷. میزان فقر نسبی روستایی، بر خلاف انتظار، در سالهای ۱۳۷۷-۷۹ بیشتر از میزان فقر نسبی شهری بوده است.

### پیشنادهای سیاستی

۱. شناسایی علل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فقر به تفکیک شهری و روستایی در سطوح استانی یا منطقه‌ای
۲. کنترل تورم به منظور جلوگیری از افزایش خط فقر و در نتیجه میزان فقر شهری و روستایی
۳. اتخاذ سیاستهای حمایتی و ایجاد فرصتهای شغلی درآمدزای مناسب برای اقشار فقیر شهری و روستایی به طور همزمان
۴. تدوین و اجرای سریع برنامه‌های ماده ۹۵ برنامه چهارم توسعه

### منابع

۱. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخصهای نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران، تهران.
۲. اسدی، خسرو (۱۳۶۹)، فقرزدایی در قالب برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی، اولین سمینار فقر، انتشارات سازمان بهزیستی کشور، تهران.
۳. اسلامی، سیف الله (۱۳۸۱)، سیاستهای حمایتی و نقش آن در توزیع درآمد، پایگاه اطلاع‌رسانی اقتصاد ایران.

### بررسی وضعیت فقر ...

۴. ترسرسیان ن. و همکاران (۱۳۵۸)، جدول ترکیبات مواد غذایی ایران، جلد اول: مواد غذایی خام، انتشارات انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، شماره ۱۳۱، تهران.
۵. خالدی، کوهسار (۱۳۷۹)، بررسی اقتصادی فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۶. خداداد کاشی، فرهاد و حیدری (۱۳۸۱)، تحلیل عملکرد تغذیه ای خانوارهای شهری و روستایی و تعیین اثربخشی مخارج خانوارها در تأمین نیازهای غذایی: کاربرد برنامه‌ریزی خطی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۵، تهران.
۷. خداداد کاشی، فرهاد و همکاران (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری شاخصهای فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر، پژوهشکده آمار، تهران.
۸. خداداد کاشی، فرهاد و همکاران (۱۳۸۲)، بررسی روند فقر و توزیع درآمد و تعیین اقشار لازم‌الحمايه بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۹. دینی ترکمانی، علی (۱۳۷۵)، بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران: تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، تهران.
۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم درآمد، معاونت امور اجتماعی، تهران.
۱۱. صمدی، سعید (۱۳۷۸)، کاهش فقر: کارایی و برابری در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. عرب مازار، عباس و حسینی نژاد (۱۳۸۳)، برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، تهران.
۱۳. عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی در ایران، نشر نی، تهران.
۱۴. معنوی، مهران (۱۳۷۵)، تحلیل و بررسی فقر (مطلق و ذهنی) در استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد نظری، دانشگاه شهید بهشتی (ملی ایران)، تهران.

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

۱۵. مرکز آمار ایران (سالهای مختلف)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.

---

---